رویاهایی که می‌آیند

ساسان گلفر
cinemaglobe.blogfa.com

ترکیب جذاب در فصل برزخی

دو، سه فیلم ترسناک و کمدی استودیویی که احتمالاً فردا نامشان به عنوان پرفروش‌ترین فیلم‌های هفته در جدول باکس آفیس اعلام خواهد شد در کنار دو فیلم تحسین شده جشنواره کن و یک اثر مستقل دیدنی که بعداً ممکن است امکان تماشای آن روی پرده وجود نداشته باشد، ترکیب جذابی را در فهرست اکران جهانی این هفته به وجود آورده که از خصوصیات دوران برزخ فصل جوایز مهم سینمایی است. سه فیلم «بفروش» اکران هفته را امروز در این ستون معرفی می‌کنیم و سه فیلم دیگر را به صفحه روز چهارشنبه وامی‌گذاریم.

■■■

خشمگین بران سه‌بعدی
DriveAngry3D

■ در این اثر اکشن- کمدی- فانتزی به کارگردانی پاتریک لوسیه که گویا به شدت از تارانتینو و رودریگز تاثیر گرفته، یک پدر انتقامجو از جهنم به روی زمین بر می‌گردد تا مردی را که دخترش را کشته و نوه‌اش را به گروگان گرفته است، تعقیب کند. البته یک مامور جهنمی به اسم «حسابدار» هم در پی اوست تا او را به همان جایی که از آن آمده، بازگرداند. این فیلم سه بعدی ۵۰ میلیون دلاری بر دو عامل استوار است: نخست جذابیت ستاره اصلی آن، نیکلاس کیج که بعید به نظر می‌رسد این روزها اصلا کسی جذب او شود و دوم، اکشن پرسرعت مبتنی بر اتومبیل‌های قدرتمند کلاسیک دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ مانند بیوک ریویرا و دوج چارجر که حتماً خیلی بهتر از تحمل نیکلاس کیج است. دیگر بازیگران این فیلم ۱۰۴ دقیقه‌ای امبر هیرد، ویلیام فیچنر، بیلی بورک و دیوید مورس هستند.

سرپناه
Shelter

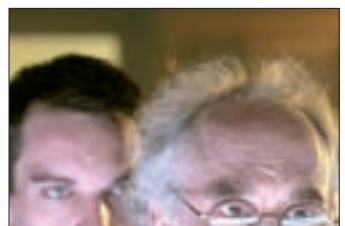

■ خانم دکتر کارا جساپ، روانشناس متخصص بیماران چندشخصیتی، متوجه می‌شود که همه شخصیت‌های یکی از بیمارانش قربانی جنایت هستند. زمانی که سعی می‌کند به علت مسأله پی ببرد، زندگی خود و دخترش در معرض خطر قرار می‌گیرد و ناچار است راهی برای نجات پیدا کند. این فیلم ترسناک محصول آمریکا را مانس مارلین و بیورن استاین با بودجه ۲۲ میلیون دلاری کارگردانی کرده‌اند و جولین مور، جاناتان ریس مایرز، جفری دومون و فرانسیس کانروی بازیگران آن هستند. توصیه شده است که اگر برای تماشای این فیلم ۱۱۲ دقیقه‌ای دارای درجه‌بندی R به سینما می‌روید، تنها نروید و لااقل چند نفر را همراه خودتان ببرید تا همگی با یک بلیت فیلم را تماشا کنید.

اجازه مرخصی
HallPass

■ اوون ویلسن و استیون سادیکیس، دو مرد متاهل و دو دوست خوب، نشانه‌هایی از خستگی و بیقراری در خانه از خود بروز می‌دهند که باعث می‌شود همسرانشان (جنا فیشر و کریستینا اپلگیت) تصمیم بگیرند برای درمانشان یک هفته مرخصی کامل از هرگونه مسوولیت خانوادگی به آنها اعطا کنند. این مرخصی در ابتدا عالی و رویایی به نظر می‌رسد اما اندکی بعد، دو مرد متوجه می‌شوند که آنچه می‌پنداشتند چندان هم با واقعیت همخوانی ندارد. کمدی تازه برادران فارلی در لوکیشن‌های جورجیا ساخته شده و با زمان نمایش ۱۰۵ دقیقه و درجه‌بندی R اکران شده است تا به مردان متاهل یادآوری کند که قدر عافیت را بدانند.

گفت‌وگو با رابرت رودریگز درباره «قداره»

اولین قهرمان اکشن لاتین

راب پرز/ ترجمه: پریا لطیفی‌خواه

رودریگز بیش از همه برای ساختن فیلم‌هایی شهرت دارد که گروه بازیگران لاتین تبار در آنها بازی می‌کنند و مورد پسند مردم سراسر جهان قرار می‌گیرند. رودریگز چه «دسپرادو» خشن و بی پرده را بسازد، چه «شهر گناه» استیلیزه، «بچه‌های جاسوس» خانوادگی یا فیلم دلهره آور علمی تخیلی «شکارچیان»، یکی از تواناترین و برترین فیلمسازان هالیوود در این دوران است. او در فیلم تازه‌اش، «قداره»، دست بر روی مسایل حساسی از قبیل مهاجرت غیرقانونی، گشت مرزی، فساد سیاسی و تجارت مواد مخدر گذاشته و توانسته است همه این مسایل جدی را در قالب یک فیلم پرماجرای تفریحی پر زد و خورد در هم بیامیزد.

■■■

در جایی خوانده‌ام که ایده «قداره» برای اولین بار در اوایل دهه ۱۹۹۰ به ذهنتان رسیده است. آیا این درست است؟ چرا اینقدر طول کشید تا این فیلم ساخته شد؟

برای بعضی از ایده‌ها چنین اتفاقی می‌افتد. گاهی اوقات درباره اینکه سایر فیلمسازان چنین وضعی داشته‌اند، می‌شنیدم اما من هرگز باور نمی‌کردم. حالا که همین اتفاق برای من افتاده، باورم نمی‌شود که این زمان گذشته است. البته اینطور نبود که هر روز رویش کار کنم. آدم مدتی درباره ایده‌اش فکر می‌کند و بعد به کار دیگری مشغول می‌شود. بعد برای مدتی از آن دور می‌افتد. من موقعی که داشتم «دسپرادو» را می‌ساختم، با دنی تریهو درباره‌اش صحبت می‌کردم. موقع ساختن «بچه‌های جاسوس» گفتم: «بیا بیا اسم رمزت را قداره بگذاریم تا ادای دینی به ایده‌ای کرده باشیم که هیچوقت عملی نشد.» همیشه ته ذهنم بود. از قبل دقیقاً می‌دانستم که تیزرش چطور باید باشد و به این شکل استیلیزه و به سبک «سینمای درپیتی» ساخته شود. من حتی پیشاپیش تیزرش را ساختم. استقبال از تیزر آنقدر خوب بود که ما تصمیم گرفتیم آن را به فیلم تبدیل کنیم.

داستان «قداره» از اول به همین صورت بود؟

نه. این ایده اصلی را داشتیم که یک مأمور فدرال نتراشیده نخراشیده مکزیکی که پلیسی فسادناپذیر است و با کارتل‌های مواد مخدر در می‌افتد، خانواده‌اش را از دست می‌دهد. بعد از آن مجبور می‌شود به آمریکا بیاید و به عنوان کارگر روزمزد کار کند و به عنوان قاتل استخدام می‌شود و بعد در موردش تحقیق می‌کند. همیشه قرار بود همین داستان باشد. اما بعداً خیلی بزرگتر از اصلش شد. قرار نبود با یک قطعه استیلیزه شروع شود. مثل یک داستان واقعی آغاز می‌شد. به همین خاطر من فکر می‌کنم واقعاً تأثیر جالبی در تماشاگران می‌گذارد. «قداره» یک خط داستانی عالی دارد و بیشتر از آن، بسیار استیلیزه است و آنقدر جنبه‌های مفرح دارد که معمولاً در فیلم‌ها نظیرش پیدا نمی‌شود.

برای شخصیت «قداره» همیشه دنی تریهو را در نظر داشتید؟

بله. او همیشه «قداره» بود. موقع فیلمبرداری «دسپرادو» در لوکیشن‌های مکزیک، مردم نمی‌دانستند ما از چه چیزی فیلم می‌گیریم. نمی‌دانستند که ستاره فیلم چه کسی است. آنها دنی را می‌دیدند که لباس خاصی پوشیده و خنجری به دستش گرفته بود و دوربین‌های اطراف را هم می‌دیدند و فکر می‌کردند او قهرمان است چون یغورترین مکزیکی بود که تا آن زمان دیده بودند. من واکنش مردم نسبت به او را در خیابان می‌دیدم و هرجا که با او قدم می‌زدم، مردم می‌ایستادند و به او خیره می‌شدند. بعضی‌ها او را می‌شناختند چون در حدود ۲۰۰ فیلم بازی کرده بود. او مغناطیس و حضوری دارد که کاملاً برازنده تن «قداره» است.

شخصیت «قداره» از کجا به ذهنتان رسید؟

از عمویم که مأمور اف‌بی‌آی است، شنیدم که آنها یک مأمور فدرال مکزیکی را که اضافه کاری می‌خواست به کار گرفته بودند. آنها در ایالات متحده کاری به این مأمور داده بودند که نمی‌خواستند مأمور خودشان بخاطر آن کشته شود. حدود ۲۵ هزار دلار هم به او پرداخته بودند. به نظرم رسید که این ایده برای داستان عالی است. از اینجا بود که ایده رشد کرد.

در «قداره» چندین بازیگر تراز اول دارید. آیا اتفاقی به این فیلم راه پیدا کردند یا جداً برای ورود آنها به فیلم تلاش کردید؟

تیزر از پیش موجود بود. خیلی شبیه به «شهر گناه» بود. حتی قبل از آنکه حق ساختن «شهر گناه» را از فرانک میلر (نویسنده) بگیرم، صحنه شروع فیلم را به عنوان آزمایش فیلمبرداری کرده بودم. این موقعی که فیلمنامه «قداره» را به بازیگرها نشان می‌دادم، به کمکم می‌آمد. دلشان می‌خواست در فیلم باشند چون می‌توانستند ببینند چطور فیلمی است و چه حسی دارد. بلافاصله طنز قضیه را می‌گرفتند و متوجه کنایه‌هایش می‌شدند. سبک «قداره» را می‌دیدند و می‌دانستند که فیلم مفرحی خواهد بود.

ارتباط محکم و خوبی میان بازیگران و عوامل برقرار بود؟

بله. رابطه و حس همکاری میان آنها عالی بود. در تیتراژ ابتدایی که نام این بازیگران را کنار هم می‌بینید، ترکیب عجیبی به نظر می‌رسد. اما وقتی بازی همه آنها و تعاملشان را می‌بینید، متوجه می‌شوید که در کنار هم خوب عمل می‌کنند.

اگر این فیلم موفق باشد، ممکن است شروع یک رشته فیلم‌های «قداره» باشد؟

بله، حتماً. همه ما خیلی دلمان می‌خواهد که باز هم مثل این بسازیم. همیشه ایده ساختن یک سریال از این نوع وجود داشته است، چون نیازش احساس می‌شد. این اولین بار است که یک قهرمان اکشن لاتین دیده می‌شود و حتماً لازم است که بیشتر شود.

بهره‌برداری از مامبای سیاه

رابرت رودریگز این روزها با «مامبای سیاه» بار دیگر به صدر اخبار سینمایی بازگشته است. این متخصص بهره‌برداری از ژانرهای سینمایی درجه دو و از مد افتاده که در سال‌های اخیر گاهی همراه با یار دیرینش، کوئنتین تارانتینو، و گاهی بدون او به هر راهی برای «بهره‌برداری» یا «اکسپلویتیشن» سرک می‌کشد و اخیراً با فیلم «قداره» و قهرمان اکشن مکزیکی آن، واژه «مکسپلویتیشن» را وارد قاموس واژگان سینمایی ساخته، هفته گذشته یک برگ برنده دیگر از نوع «بلکسپلویتیشن» رو کرده است. فیلم کوتاهی که رودریگز به مناسبت برگزاری بازی ستارگان NBA در سایت اینترنتی یک شرکت تولید کفش ورزشی به نمایش گذاشته، ظاهراً مثل تیزر فیلم «قداره» که سه سال پیش به مقدمه‌ای برای فیلم اخیر او تبدیل شد، قرار است مقدمه‌ای برای ساختن یک فیلم بلند باشد. در این فیلم کوتاه سه دقیقه‌ای که «مامبای سیاه» نام گرفته کوبی برایانت، بسکتبالیست سیاهپوست مشهور NBA که نام فیلم اشاره‌ای به لقب اوست، بروس ویلیس که در بسیاری از آثار رودریگز بازی کرده، دنی تریهو بازیگر همیشگی رودریگز که به سوپراستار اکشن «قداره» بدل شد و کنی‌وست، خواننده سیاهپوست موسیقی رپ حضور دارند. سبک بصری فیلم کوتاهی که نمایش داده شد، یادآور «شهر گناه» رودریگز است. رودریگز این روزها مشغول ساختن «بچه‌های جاسوس ۴» است و چنانکه گفته شده، تا ماه آگوست (مرداد) قرار نیست پروژه دیگری را در دست بگیرد. به این ترتیب برای تماشای نسخه بلند «مامبای سیاه» و پی بردن به اینکه فیلم ظاهراً «رده ب» آینده رودریگز چه شکل و شمایل نوآورانه‌ای خواهد داشت، بیش از یک سال زمان لازم است. به مناسبت تحولات تازه‌ای که در سینمای «رده ب» از نوع رودریگزی پیش آمده است، نگاهی داریم به فیلمی که این فیلمساز مکزیکی‌الاصل متولد تگزاس چند ماه پیش روی پرده فرستاد؛ با یادداشتی از ریچارد کورلیس در هفته‌نامه تایم و گفت‌وگویی با فیلمساز درباره فیلم «قداره».

نگاهی به فیلم «قداره»

تفریح خونین

ریچارد کورلیس (تایم)

قداره Machete

کارگردان: رابرت رودریگز، ایتان مانیکیز - نویسنده: رابرت رودریگز، آلوارو رودریگز - تهیه کننده: رابرت رودریگز، الیزابت آوالن، ریک شوارتز - بازیگران: دنی تریهو، رابرت دونیرو، جسیکا آلبا، میشل رودریگز، لیندسی لوهان، استیون سیگال، دان جانسن، چیچ مورین - محصول آمریکا - زبان: انگلیسی، اسپانیایی - زمان نمایش: ۱۰۵ دقیقه

خلاصه داستان: یک مأمور فدرال برای کشتن سیاستمداری اجیر می‌شود و بعد از آنکه سازمان اجیرکننده به او خیانت می‌کند، کشتار بیرحمانه‌ای به راه می‌اندازد تا از رییس سابق خود انتقام بگیرد.

قداره (دنی تریهو) باید به سرعت در بیمارستان معاینه شود و زنده بماند؛ آدم بدها به دنبالش هستند تا او را بکشند. پرستارها به او می‌گویند راه خروجی وجود ندارد. او پنجره‌ای را در انتهای راهرو می‌شکند، شکم یکی از تعقیب کنندگان را می‌شکافد، روده او را بیرون می‌کشد و آن را می‌گیرد و از پنجره بیرون می‌پرد و آنقدر نگه می‌دارد تا به زمین می‌رسد. شاید این یک مقدار افراطی به نظر برسد اما، چنان که کارگردان -نویسنده- هر چیز دیگر فیلم، رابرت رودریگز، توضیح می‌دهد: «طول روده انسان ده برابر قد اوست.» البته واقعاً درست نیست -حدود چهار برابر قد انسان درست‌تر است- اما سخت نگیرید، «قداره» یک فیلم است.

تماشاگران بعد از سرخوردگی‌های متعدد از دیدن «مرد آهنی ۲»، «رابین هود»، «مک گروبر»، «شاهزاده ایرانی»، «قاتلان»، «تیم الف»، «سلحشور و روز»، «شاگرد جادوگر»، «سالت»، «اسکات پیگریم علیه جهان» و «مصرف شدنی‌ها» باید قدر این فیلم ترو فرز و زیرکانه را بدانند. احتمالاً این اولین فیلمی است که به عنوان بازسازی یک تیزر ساخته شده است. شاید پیش پرده‌ای از «سینمای درپیتی»، فیلم مشترک تارانتینو و رودریگز را به یاد داشته باشید که چیچ مورین در نقش کشیش علیه جنایتکاران مسلح می‌شود و وقتی مرد به آخر خط رسیده‌ای از پدر مقدس طلب رحم می‌کند، او می‌گوید: «خدا رحم می‌کند. من رحم ندارم.» و شلیک می‌کند. راستش، «قداره» عبارت است از همین پیش پرده به اضافه ۹۰ دقیقه تیراندازی، ترکیدن کله‌ها، دو دوزه بازی و زد و خورد بی وقفه با صدها جسد و چشم‌های از حدقه درآمده.

«قداره» که کنایه‌ای به هر فیلم مبتنی بر گردن کلفت‌های نیم قرن گذشته از هالیوود تا هنگ کنگ را دارد، پیش از اکران برای اولین بار در نیمه شب افتتاحیه جشنواره فیلم ونیز به نمایش در آمد که در آن به جان وو، کارگردان هنگ کنگی، جایزه دستاورد هنری یک عمر اعطا شد که کاملاً متناسب بود. رودریگز گفته است: «وقتی فیلم‌های جان وو را می‌بینم، دلم می‌خواهد آسیایی باشم. فیلم‌های وو و چویان فت واقعاً به من الهام بخشیدند تا فیلم‌هایی بسازم که همین حس را در عرصه لاتین به وجود بیاورند.» فیلم «قداره» اکشنی سرگیجه‌آور و دارای این پیام برای مردم امروز است: مکزیکی‌هایی که در تگزاس زندگی می‌کنند، قانونی یا غیرقانونی، نیز می‌توانند قهرمان باشند. ما به آنها احتیاج داریم تا با نظم مستقر گرینگویی که از مهاجران لاتین، هم به عنوان برگ برنده نژادی در مسایل سیاسی و هم نیروی کار ارزان برای نجات اقتصاد جنوب غربی آمریکا استفاده می‌کند، بجنگیم. سه شخصیت مرد سفیدپوست، دولتی و غیردولتی، در اینجا معرف توانگران هستند. سناتور جان مک لافلین (رابرت دونیرو، نسخه تگزاسی جان مک کین، بزرگترین کابوس دموکرات‌ها) برای انتخاب مجدد تلاش می‌کند و این شعارش است: «هر بار که یک (مهاجر) غیرقانونی از مرز بگذرد، عملی تروریستی علیه کشور ماست.» مباشر سیاسی او، بوث (جف فیهی، مشابه کارل روو اما تهدیدآمیزتر)، قداره را برای ترور مک لافلین اجیر می‌کند اما این حقه‌ای است برای آنکه سناتور به قهرمان و قداره به چهره تروریسم لاتینی بدل شود. این دو همدست تورز (استیون سیگال) رییس مکزیکی باند قاچاق مواد مخدر هستند. یک مأمور قانون به نام استیلمن (دان جانسن) نیز هست که زن بارداری را می‌بیند و می‌گوید: «اگر بچه‌اش اینجا به دنیا بیاید، شهروند اینجا می‌شود، درست مثل تو و من»، و بعد به زن شلیک می‌کند و او را می‌کشد تا از تعداد مهاجران غیرقانونی و بچه تروریست‌ها بکاهد.

تریهو در سن ۶۶ سالگی همچنان غول پیکر و قوی هیکل است و چهره‌اش مثل چمدانی است که باربران فرودگاه از سر مردم آزاری بارها به در و دیوار کوبیده و از ریخت انداخته باشند. او معمولاً نقش آدم بدها و خلافکارهای قلچماق را بازی می‌کرد تا آنکه رودریگز به این فکر افتاد که می‌تواند بار یک فیلم را بر دوش بگیرد.

داستان زندگی تریهو خودش فیلم است. او کودکی بزهکار و معتاد به مواد مخدر بود که قهرمان بوکس زندان سن کوئنتین شد. دوره دوازده قدم را با موفقیت پشت سر گذاشت و مشاور معتادان شد و بعد در سال ۱۹۸۵ یکی از رؤسایش از او خواست به سر صحنه فیلم «قطار گریز» بر اساس رمانی به قلم یک زندانی دیگر سن کوئنتین برود. آندری کنچالفسکی کارگردان در فیلمش به او جایی داد و در مدت ربع قرن بعد، او حدود ۲۰۰ فیلم بازی کرد که هشت تا از آنها ساخته رودریگز بود. رودریگز سر صحنه «دسپرادو» فهمید که نوه عموی تریهو است. به هر حال، فیلم رودریگز با این ترکیب ناهمگون بازیگران از دونیرو تا سیگال، فیهی و لیندسی لوهان به این قصد ساخته شده است که هیچ جایزه‌ای نبرد. این فیلمی مفرح، حرفه‌ای، فارغ‌البال و دارای خشونت کارتونی است؛ از آن نوع فیلم‌هایی که می‌تواند یک بچه مدرسه‌ای را سرحال به مدرسه بازگرداند.

تازه چه خبر دکتر جون؟

سگ‌های پوشالی

با آب شدن یخ‌های زمستان و کلید خوردن پروژه‌های سینمایی تازه، تولید اخبار و شایعات مربوط به فیلم‌های در دست ساخت هم در این روزها شدت گرفته است، فیلم‌هایی که در آنها سگ‌ها به زبان آدمیزاد صحبت می‌کنند یا مادربزرگ‌ها دختر نوه‌هایشان می‌شوند.

■■■

همه می‌خواهند کله پوک باشند

■ برادران فارلی که هفته پیش کمدی «اجازه مرخصی» را روی پرده فرستادند، قرار است پروژه تازه‌ای را در دست بگیرند که بازسازی مجموعه قدیمی «سه کله پوک» است. شایعاتی درباره حضور احتمالی جیم کری، شان پن، اندی سمبرگ، بنیچیو دل تورو و جاستین تیمبرلیک در این فیلم مطرح شده است. بوستن هرالد نوشته است که تیمبرلیک نقش لری را بازی می‌کند و در غیر اینصورت ممکن است وودی هارلسن این نقش را بازی کند. از جانی ناکسویل و هنک آزاریا نیز به عنوان نامزدهای بازی در نقش مو نام برده شده است. نام شان پن و پل جیاماتی نیز در میان است. به این ترتیب شمار ستارگانی که جان می‌دهند برای کله پوک بودن، رو به افزایش است. با این حال برادران فارلی گفته‌اند که هنوز تصمیمشان را نگرفته‌اند و به دنبال افرادی هستند که همسن و هم‌قد به نظر برسند.

سازنده «هفت پوند»

فیلم «آدالاین» را می‌سازد

■ هفته‌نامه ورایتی گزارش داده است که بالاخره گابریل موچینو عهده‌دار کارگردانی فیلم رمانتیک ماوراء طبیعی «آدالاین» خواهد شد. این پروژه در چند ماه گذشته مدام در دست انداز افتاد. در ابتدا قرار بود کاترین هایگل (بازیگر «۲۷ دست لباس») و آنجلا لنزبری در آن بازی کند و اندی تننت (کارگردان «جایزه بگیر») فیلم را بسازد. با کناره‌گیری هایگل از پروژه در اوایل پاییز، تننت هم از ساختن آن شانه خالی کرد. حالا قرار است موچینو، کارگردان ایتالیایی که دو فیلم ویل اسمیت -«در جست‌وجوی خوشبخت» و «هفت پوند»- را ساخته است، این فیلم را نیز بسازد. قهرمان «آدالاین» زنی است که در یک سانحه عجیب امکان پیر شدن را از دست می‌دهد. در گروه قبلی بازیگران قرار بود آنجلا لنزبری سالخورده نقش دختر کاترین هایگل را بازی کند اما اکنون معلوم نیست کدام مادربزرگ نقش دختر یک ستاره جوان هالیوود را برعهده خواهد گرفت.

آموزش گفتار برای سگ‌ها

■ در یک کنفرانس مطبوعاتی اعلام شد که استیو کارل، بازیگر کمدی‌هایی مانند «دن در زندگی واقعی» و «خورشید خانم کوچک» قرار است در فیلمی به نام «سگ‌های بابل» بر اساس رمانی به قلم کارولین پارکهارست بازی کند. او در این فیلم نقش استاد دانشگاهی را بازی می‌کند که به خانه بازمی‌گردد و جسد همسرش را در حیاط خلوت خانه پیدا می‌کند و چون معتقد است که مرگ او تصادفی نبوده است، تصمیم می‌گیرد به سگی که تنها شاهد مرگ همسرش است، صحبت کردن بیاموزد تا به راز ماجرا پی ببرد. هایمه لیندن، نویسنده فیلمنامه‌های «ما مارشال نیستیم» و «جان عزیز» کار اقتباس رمان را انجام داده و هنوز کارگردانی برای این فیلم تعیین نشده است.